

آقای رئیس جمهوری دزدی بنزین چی شد

نامرکز گهر
nbozzargmehr@yahoo.com
به نام او که هر چه بخواهد همان می‌شود

این یادداشت را من نوشتم، بنده خدایی بدون نام و نشان، یک نامه برای رئیس‌جمهور نوشته که در فضای مجازی می‌چرخد، او گفته لطفا در صورت صلاحدید این متن را اقتدر پخش کنید تا شاید به‌دست رئیس‌جمهوری برسد.

از آن جایی که به‌نظر من باید فضایی به‌وجود آورد که مردم بتوانند حرف‌هایشان را با مدیران ارشد و رئیس‌جمهور محبوبشان مستقیم بزنند و به رسانه‌ها و مطبوعات هم اعتماد بیشتری بکنند، این یادداشت را با کمی ویرایش مطبوعاتی منتشر می‌کنم:

جناب آقای رئیس‌جمهوری

فرمودید اوضاع مالی دولت خراب است و حتی پول حقوق بازنشستگان را ندارید و کمبود بودجه مالی دارید و برای توجیه گران کردن بنزین فرمودید هیچ عقل سلیمی نمی‌پذیرد که بنزین لیتری ۶۰ هزار تومان بخیریم و لیتری ۳ هزار تومان بفروشیم.

حرف‌تان کاملا منطقی است، ما هم موافق دادن این سوبسید نیستیم و روزانه ۳۰ هزار لیتر بنزین از خارج خریداری می‌کنید، آن موقع که فرمودید دلار ۶۰ هزار تومان بود و تا روزی که این مطلب به‌دست‌تان برسد، دلار از مرز ۸۰ هزار تومان هم عبور کرده است.

اما شما خودتان چندنی قبل و کمی پیش یک نماینده مجلس و یک ماه پیش‌ترش آقای وزیر فرمودند که روزانه ۳۰ میلیون لیتر بنزین از کشور دزدیده می‌شود.

وقتی این سخن را می‌فرمودید، خیلی هم عصبی بودید، فرمودید تولیدکننده خردمان و توزیع‌کننده هم خردمان هستیم و این دزدی آشکار می‌شود و نمی‌دانیم چه کسی می‌دزدد، برای این سرعت‌مرا دار بزنند هم، کم‌کاری نکرده‌اند؛ عین این در آب و برق و گاز و همه‌چیز وجود دارد. یعنی بعد از گذشت چند ماه از ریاست‌جمهوری‌تان نمی‌توانید جلوی یک غارت آشکار را بگیرید. چرا؟ یعنی زورتان بهمان نمی‌رسد یا نمی‌خواهید آشکار با مردم حرف بزنید؟

جناب آقای رئیس‌جمهور

شما به مردم قول دادید که دروغ نگویید و موقعی که می‌دانید چه کسی دزد است و نمی‌گویید، خود این عمل یک گناه است.

مگر قرآن کریم به‌صراحت نگفته (ای کسانی که ایمان آورده‌اید، چرا آنچه می‌گویید عمل نمی‌کنید، دشمنی بزرگی است پیش خدا که بگویید آنچه را عمل نمی‌کنید).

خودتان خوب می‌دانید که چه کسی این ۳۰ میلیون لیتر را می‌دزدد و باید چه امکاناتی وسیعی داشته باشد تا بتواند این مقدار را بگذرد، ۳۰ میلیون لیتر یعنی اگر تانکر هیجده چرخ درنظر بگیریم که هر کدام حدود ۳۰ هزار لیتر بنزین حمل می‌کنند، یعنی روزی هزار تانکر سوخت نیاز است و چون از مرز سیستان و بلوچستان و کردستان خارج می‌شود، از زمان سوخت‌گیری از پالایشگاه و رفتن و تخلیه و برگشت، حداقل چند روز طول می‌کشد، چنانچه هیچ‌گونه خرابی برای هیچ‌کدام از تریلرها پیش نیاید، چندهزار تریلر باید مشغول این کار باشند تا هر روز یک هزار تریلر بارگیری بکنند، مدیریت چندهزار تریلر و حمل هر روز ۳۰ میلیون لیتر بنزین کار ساده‌ای نیست و باید خیلی برنامه‌ریزی و سازمان‌یافته باشد.

یک وقتی آقای احمدی‌نژاد هم می‌فرمودند که این غارت فقط دست برداران قاچاقچی است و هیچ‌کس جرأت گفتن نام آنها را ندارد.

جناب آقای رئیس‌جمهور

ببایم یک حساب سرانگشتی بکنیم که همین یک قلم غارت، ماهی چنددر و سالانه چقدر می‌شود، اگر با دلار حدود ۸۰ هزار تومان حساب بکنیم و شما هر لیتر حدود ۸۰ سنت خریداری کنید و می‌خواهید لیتری ۳ هزار تومان به مردم بفروشید، حتما خزانه خالی می‌شود.

اما شما اصلا نیاز به خرید بنزین ندارید، اگر جلوی دزدی روزانه ۳۰ میلیون لیتری که خریداری می‌کنید و مستقیما می‌دزدند و خارج می‌کنند و پولش را هم نوش جان می‌کنند، بگیرید.

خواهشا نباید بگویید چقدر می‌خرد و چقدر می‌فروشد. همه می‌دانند و خودتان هم خوب می‌دانید که این غارت از قبل از زمان احمدی‌نژاد بوده و تا الان هم ادامه دارد، لطفا منت سر مردم ستمدیده و غارت‌شده نگذارید.

تولید روزانه پالایشگاه‌های ایران کفاف مصرف داخلی را می‌دهد، هرچه صرف خرید می‌کنید، توی جیب همان قاچاقچی می‌رود. گفتید که روزانه ۳۰ میلیون لیتر بنزین ۸۰ سنتی وارد می‌کنید که روزانه حدود ۳۰ میلیون دلار می‌شود و ماهانه نزدیک به ۹۰۰ هزار دلار که اگر ضربدر ۳۶۵ روز بشود، در هر سال ۳۲۸۵۰۰۰۰۰ دلار که اگر ضربدر ۸۰ هزار تومان شود، ماشین حساب هم هنگ می‌کند.

آقای رئیس‌جمهور

مرد پست‌تر شما هستند یا اعلان بکنید یا با مقام معظم رهبری در میان بگذارید و از هیچ‌کس هم واهمه نداشته باشید، با همین موضوع و حل آن، نام خود را ماندگار بکنید و تاریخ‌ساز شوید. مشکلات مملکت توسط یک عده از خدایی خبر و ضدایرانی و سبزی‌ناپذیر شکل گرفته که دارند ایران را غارت می‌کنند، حتما افراد زیادی هستند که سیر تا پياز دزدی‌ها را اطلاع دارند. اما متأسفانه به دلیل، از گفتش خودداری می‌کنند، اما شما رئیس‌جمهوری هستید که پشت‌سران مقام معظم رهبری را دارید و وظیفه قانونی‌تان است که حقیقت را ابراز دارید.

اقتصاد و توسعه

editor@smtnews.ir

تیشه قاچاق بر ریشه اقتصاد

می‌سازد. با این نگرش، قاچاق می‌تواند تاثیر مخرب بر جریان اقتصاد ملی به‌جا بگذارد و مسیر اصلاحی آن را منحرف سازد. گفته‌اند که در ایران سالانه میلیاردها دلار قاچاق کالا وجود دارد، هرچند آمار دقیقی در این‌باره موجود نیست، با این‌حال، قاچاق کالا به‌صورت صادرات یا واردات غیررسمی، تاثیرات مخرب بسیاری بر اقتصاد ملی دارد.

بیشترین آمار کالاهای قاچاق صادراتی مربوط به فرآورده‌های نفتی است که این فرآورده‌ها نیز اکثرا مشمول دریافت یارانه از دولت می‌شوند، به‌طوری‌که دولت یازدهم در این‌باره ادعا داشته است که در حوزه فرآورده‌های نفتی، بخش بزرگی از قاچاق صورت می‌گرفت و کنترل آن نیز موضوع دشواری بود.

در نهایت؛ تحقق نیافتن درآمدهای پیش‌بینی‌شده دولت، اتلاف منابع ارزی، خدشه‌دار شدن توان پیش‌بینی دقیق از شرایط برای عاملان اقتصادی، شفاف نبودن مزیت‌های نسبی در اقتصاد، کاهش تولید ناخالص داخلی واقعی، مصرف انرژی و افزایش تقاضا برای پول در گردش، همگی از جمله آثار و پیامدهای اقتصادی قاچاق کالا هستند. در پرونده این شماره **۱۳۹۶** به موضوع قاچاق، آثار و دلایل بروز و شیوع این پدیده و راه‌های مقابله با آن پرداخته‌ایم.

بیکاری بر بحران‌های اجتماعی و تبعات ناشی از آن نیز افزوده خواهد شد. برای مقابله با بحران بیکاری و تبدیل آن به یک فرصت اقتصادی، باید سالانه یک میلیون فرصت شغلی پایدار ایجاد شود، این در حالی است که در بهترین سال‌ها عملکرد آن به ۵۰۰ هزار فرصت شغلی نرسیده است. براساس آمار سازمان بین‌المللی کار، هر یک میلیارد دلار قاچاق کالا، ۱۰۰ هزار فرصت شغلی را در کشور مقصد از بین می‌برد، در حالی که ایران با بحران بیکاری و روند روزافزون فعالان جویای کار روبه‌روست. بر این اساس حتی با فرض صحت همین اعداد و ارقام قاچاق، سالانه هزاران شغل بر اثر قاچاق از بین رفته است!

قاچاق کالا سیاست‌های اقتصادی دولت را نیز متاثر خواهد ساخت؛ همچنین قاچاق کالا با ایجاد رکود در برخی از صنایع کشور از درآمدهای مالیاتی دولت خواهد کاست؛ از طرف دیگر، همه‌ساله بخشی از درآمدهای دولت صرف پرداخت یارانه به صنایع مختلف برای حمایت از صنعت یا مصرف‌کننده می‌شود. قاچاق صادراتی این کالاها موجب می‌شود که بخشی از این یارانه‌ها به خارج از کشور انتقال یابد. همچنین پدیده قاچاق کالا با تجارت زیرزمینی، سیاست‌های اقتصادی و بازرگانی را که دولت‌ها برای احیای موقعیت اقتصادی کشورشان اعمال می‌کنند، بی‌اثر یا کم‌اثر

قاچاق کالا یک عنوان با معنای منفی برای فعالیت‌های متنوعی است که هم‌اکنون به‌منزله یک واقعیت، اقتصاد و جامعه ایرانی را درگیر کرده است. این پدیده به دلایل مختلف، از جمله پایین بودن خطر فعالیت، به‌طور گسترده‌ای در اقتصاد ایران رواج پیدا کرده و آثاری ناخوشایند را بر جای گذاشته است.

ابعاد منفی قاچاق کالا را می‌توان از زوایای متفاوتی بررسی کرد؛ قاچاق کالا از بعد سیاسی، یک نقطه منفی در کشورها تلقی شده و از بعد اجتماعی نیز باعث بر هم خوردن تعادل اجتماعی و درآمدی در میان اقشار جامعه می‌شود و به‌وجودآورنده یک طبقه ثروتمند و در عین حال منفور در جامعه است. از بعد اقتصادی نیز قاچاق کالا ضربه‌های سنگینی به اقتصاد جامعه وارد می‌کند.

قاچاق کالا به‌شکل غیرمستقیم می‌تواند بر سرمایه‌گذاری ملی کشور تاثیر منفی داشته باشد. با ورود کالاهای قاچاق (با نرخ پایین)، تولید ملی ضربه می‌خورد و تقاضا برای محصولات تولید داخل کاهش می‌یابد و به‌دنبال خود، کاهش سودآوری و در نهایت کاهش سرمایه‌گذاری را در بخش تولید داخلی موجب می‌شود. کاهش سرمایه‌گذاری نیز باعث کاهش اشتغال می‌شود و نرخ بیکاری را افزایش خواهد داد. با افزایش

در بررسی تبعات قاچاق بر اقتصاد ایران مطرح شد

کاهش رشد اقتصادی و سرکوب فرصت‌های شغلی



آخرین آمار رسمی **حجم قاچاق** به آبان امسال بازمی‌گردد که به گزارش مرکز پژوهش‌های مجلس «حجم اقتصاد غیررسمی در امسال به حدود ۳۲ میلیارد دلار رسیده است.» این آمار نشان می‌دهد وضعیت تجارت خارجی ایران در پس «ارز چندنرخ» بسیار مخاطره‌آمیز شده و تحریم‌ها و افزایش «هزینه مبادله» بستر مناسبی برای رشد بخش غیررسمی اقتصاد ایران فراهم کرده است. از سوی دیگر، براساس آمار سازمان بین‌المللی کار، هر یک میلیارد دلار قاچاق کالا، با فشار بر تولیدات داخلی و خروج اقتصاد از مسیر سالم، ۱۰۰ هزار فرصت شغلی را در کشور مقصد از بین می‌برد. با این حساب **حجم قاچاق موجود که عمده آن از مبادی رسمی نیز انجام می‌گیرد، بیش از ۳ میلیون فرصت شغلی را در ایران نابود کرده است.**

در گزارش پیش‌رو به ابعاد مختلف قاچاق در کشور اعم از قاچاق خروجی و ورودی پرداخته‌ایم. بررسی‌ها نشان می‌دهد گرچه عامل انسانی و ضعف سامانه‌ها در پدیده قاچاق نقش دارد، اما پدیده قاچاق کالا عمده‌تر در کشورها است که از سیستم قیمت‌گذاری ناکارآمدی برخوردارند یا هزینه تولید در آنها بالاست یا تجارت خارجی با موانع عمده‌ای روبه‌رو است، بیشتر دیده می‌شود.

مرکز پژوهش‌های مجلس آبان ۱۴۰۳ در آماری گفت «حجم اقتصاد غیررسمی در امسال به حدود ۳۲ میلیارد دلار رسیده است.» برآوردها نیز حاکی از این است که در سال ۹۵ میزان قاچاق چیزی حدود ۱۲.۶ میلیارد دلار بوده و در واقع به کمترین سطح خود طی دهه اخیر رسیده بود. دی ماه ۱۴۰۱، مصطفی پورکاظم‌شایسته، معاون امور مقابله و هماهنگی حقوقی در ستاد مبارزه با قاچاق کالا و ارز گفته بود که «حجم قاچاق کالای ورودی و خروجی کشور حدود ۲۰ میلیارد دلار کالایی بوده که ۶ میلیارد دلار آن قاچاق خروجی و ۱۴ میلیارد دلار آن قاچاق ورودی به کشور است.»

سعید نیرومند، معاون اداره کل مقابله و رصد جریان مالی این ستاد نیز ۲۷ تیر سال گذشته در یک برنامه رادیویی پیرامون اعلام اعداد و ارقام متفاوت از سوی مجلس و ستاد درباره میزان ارزش قاچاق کالا در کشور گفت: براساس آخرین برآوردهای انجام‌شده، میزان قاچاق حدود ۱۹.۸ میلیارد دلار تخمین زده می‌شود؛ از این میزان ۱۴ میلیارد دلار مربوط به قاچاق ورودی و ۵.۸ میلیارد دلار نیز ارزش کالاهایی است که به‌صورت غیرقانونی از کشور خارج می‌شود.

قاچاق ۷.۵ میلیارد دلاری سوخت

نیمه‌های آبان رئیس‌مجلس اعلام کرد روزانه ۳۰ میلیون لیتر قاچاق سوخت از کشور انجام می‌گیرد، اظهاراتی که بازتاب زیادی در رسانه‌های کشور داشت. این رقم بیش از رقم ناترازی فعلی بنزین و گازوئیل در کشور بوده و برآوردها نشان می‌دهد سالانه ۷.۵ میلیارد دلار خسارت به کشور وارد می‌کند.

با فرض نرخ صادراتی هر لیتر بنزین و گازوئیل معادل ۷۰ سنت و با یک محاسبه سرانگشتی ارزش قاچاق در ایران اکنون به بیش از ۷.۵ میلیارد دلار رسیده است؛ یک تجارت پرسود که رونق آن از کارهای تولیدی در کشور با اختلاف بیشتر است.

به‌بیان دیگر، طبق اظهارات رئیس‌مجلس، در حال حاضر حدود ۱۵ درصد از بنزین و گازوئیل تولیدی در کشور قاچاق می‌شود که ارزش آن به حدود ۷.۵ درصد از سهم دولت از درآمدهای نفتی رسیده است. نکته جالب اینکه هم‌اکنون سرجمع ناترازی بنزین و گازوئیل در کشور عددی کمتر از ۳۰ میلیون لیتر در روز است. انگیزه قیمتی قاچاق سوخت در ایران به قدری بالاست که کار از فروش اندک مرزی و پراکنده گذشته و شبکه‌های متعددی ذیل این پدیده شکل گرفته است.

شغل‌هایی که از بین می‌روند

قاچاق کالا از بعد اقتصادی ضربات سنگینی به جامعه وارد می‌آورد و به‌طور غیرمستقیم می‌تواند بر سرمایه‌گذاری ملی تاثیر منفی به‌جا بگذارد. در واقع با ورود کالاهای قاچاق، تولید ملی ضربه خورده و تقاضا برای محصولات تولید داخل کاهش یافته و به‌دنبال آن، کاهش سودآوری و در نهایت کاهش

هر نوع وارداتی، چه رسمی یا غیررسمی نیاز به «ارز» دارد. بنابراین فشار

تقاضا برای ارز حتی بیشتر از ارقام رشد واردات رسمی است. فشاری که در

بخش غیررسمی منجر به شوک‌های ارز در بازار آزاد می‌شود

سرمایه‌گذاری در بخش تولیدات داخلی را موجب می‌شود. کاهش سرمایه‌گذاری نیز باعث کاهش اشتغال شده و نرخ بیکاری را افزایش خواهد داد و در ادامه با افزایش بیکاری بحران‌های اجتماعی اقتصادی و تبعات ناشی از آن نیز افزایش خواهد یافت. براساس آمار سازمان بین‌المللی کار، هر یک میلیارد دلار قاچاق کالا با فشار بر تولیدات داخلی و خروج اقتصاد از مسیر سالم، ۵۰ تا ۱۰۰ هزار فرصت شغلی را در کشور مقصد از بین می‌برد.

تبعات مهم دیگر قاچاق، تشدید ناترازی در اقتصاد، تحمیل کسری بودجه و تشدید آن و خروج میلیاردها دلار ارز از کشور می‌شود. برای نمونه در همین موضوع قاچاق ۳۰ میلیون لیتری سوخت که رئیس‌مجلس آن را مطرح کرد، این موضوع علاوه بر اینکه باعث شده میلیاردها دلار منابع ارزشمند از کشور خارج شود، در سوی دیگر منجر به ناترازی انرژی در کشور، افزایش خاموشی‌ها در بخش صنعت و کاهش تولید و صرف ۴ یا ۵ میلیارد دلار ارز برای واردات بنزین و گازوئیل نیز در امسال شده است.

برای تصور اهمیت آسیب‌های قاچاق کالا بر اقتصاد همین قدر کافی است که بدانیم پژوهش‌ها نشان می‌دهد به‌ازای هر یک درصد افزایش قاچاق، رشد اقتصادی با افت ۰.۲۵ درصدی مواجه می‌شود.

علاقه شدید به واردات

تحولات تجارت خارجی ایران نشان می‌دهد که پس از تشدید تحریم‌ها، واردات یک فعالیت «به‌صرفه» و «اقتصادی» شده و در این میان، دو دلیل می‌توان آورد که واردات را به یک فعالیت «پر از سود» تبدیل کرده است. نخستین مورد چندنرخ بودن ارز در اقتصاد ایران است که با انواع و اقسام نرخ‌ها برای تبدیل دلار به ریال همراه شده، هجوم واردکنندگان برای آوردن کالای خارجی را هم بیشتر کرده است. اختلاف بین نرخ ارز در سامانه نیما و بازار آزاد نقدری هست که واردات هر نوع کالایی را به یک «رانت» تبدیل کند. نکته دوم، فشار به نرخ ارز آزاد است که با مکانیسم عرضه قابل توجه ارز توسط سیاست‌گذار (بانک مرکزی) همراه شده که نرخ ارز را از قیمت‌های تعادلی خود دور کرده و

اتفاقی که در نهایت به تشدید تقاضا برای واردات منجر شده است. واردات در سال گذشته نسبت به سال ۱۳۹۶ (یعنی زمانی که تحریم‌ها شدت گرفته بود) در حدود ۲۷ درصد رشد داشته است. اما توجه کنید که واردات رسمی در سال ۱۴۰۲ قابل مقایسه با ارقام سال ۱۳۹۶ نیست، چون در سال گذشته واردات بیش از ۲ هزار قلم کالایی ممنوع بوده که در

سال ۱۳۹۶ از مبادی رسمی نیز انجام می‌گیرد، بیش از ۳ میلیون فرصت شغلی را در ایران نابود کرده است. در گزارش پیش‌رو به ابعاد مختلف قاچاق در کشور اعم از قاچاق خروجی و ورودی پرداخته‌ایم. بررسی‌ها نشان می‌دهد گرچه عامل انسانی و ضعف سامانه‌ها در پدیده قاچاق نقش دارد، اما پدیده قاچاق کالا عمده‌تر در کشورها است که از سیستم قیمت‌گذاری ناکارآمدی برخوردارند یا هزینه تولید در آنها بالاست یا تجارت خارجی با موانع عمده‌ای روبه‌رو است، بیشتر دیده می‌شود.



زخم اقتصاد زیرزمینی بر پیکر اقتصاد

مجدلسلیمی بروجنی
کارشناس اقتصاد

اقتصاد زیرزمینی که برخی به آن اقتصاد در سایه نیز می‌گویند، تابع قوانین نظام‌مند و رسمی نیست. براساس آمار و ارقام صندوق بین‌المللی پول، حدود ۵۰ کشور در جهان با رقم تقریبی ۴۰ درصد تولید ناخالص داخلی در بخش اقتصاد سایه، درگیر هستند.

با این تفسیر، نمی‌توان اقتصاد زیرزمینی را محدود به یک یا دو کشور خاص دانست. فعالان بخش خصوصی کشورمان معتقدند که بی‌تدبیری‌های بی‌حساب دولت گذشته، ضعف نظارت و نبود شفافیت در نظام مالیاتی و تعداد راه‌های فرار در آن، تحریم و حاکم شدن رکود سنگین بر اقتصاد کشور، از جمله عواملی است که طی یک دهه اخیر موجب گسترش بی‌رویه اقتصاد زیرزمینی شده است.

اقتصاد زیرزمینی در حالی به یک پدیده جدی تبدیل شده که برای بسیاری از کارشناسان این سوال به‌وجود آمده که چرا ریشه‌یابی درستی درباره اقتصاد زیرزمینی و آسیب‌هایی آن به بدنه اقتصاد کشور انجام نمی‌شود؟

در حال حاضر حدود ۴۵ درصد افراد در اقدامدان از پرداخت مالیات فرار می‌کنند. نزدیک به ۲۵ درصد هم نهادهای و سازمان‌هایی هستند که از پرداخت مالیات معاف هستند و از ۳۰ درصد باقیمانده نیز که مشمول پرداخت مالیات هستند، ۱۸ درصد اضافه هستند که از برخی پشتوانه‌ها برخوردارند و خیلی نمی‌توان به آنها فشار آورد. بقیه افرادی هستند که اشتغال ایجاد می‌کنند و به‌واسطه ثبت شناسنامه‌هایشان، مالیات پرداخت می‌کنند و اگر دولت بخواهد همه فشارها را به این گروه بیاورد، در نهایت در برابر این فشارها مستقال خواهند شد و عطای کار کردن را به لقایش می‌بخشند.

در واقع اگر دولت بخواهد به جنگ اقتصاد زیرزمینی برود، باید آن ۴۵ درصدی که اصلا مالیات نمی‌دهند و شناسنامه‌ای برای فعالیت‌های خود ندارند و با رفتارهایی همچون قاچاق، ضربه بزرگی را به اقتصاد وارد می‌کنند، شناسایی و در چرخه مالیاتی قرار دهند.

مالیات در حقیقت به مفهوم توسعه، امنیت، بهداشت و آموزش است. در کنار اقتصاد زیرزمینی، معضلات دیگری شکل می‌گیرد که یکی از مهم‌ترین آنها قاچاق است. در حال حاضر ۵۰ درصد کالاهای واردشده به کشور از طریق قاچاق وارد می‌شود. اینها مشکلاتی است که اقتصاد و کارخانه‌ها را متوقف می‌کند و به‌نوبه خود معضلاتی را به‌وجود می‌آورد.

دولت‌ها در سال‌های اخیر تلاش کرده‌اند که با شناسایی صحیح مشمولان پرداخت مالیات، درآمدهای کشور را افزایش دهد. همچنین سال‌هاست که در ایام تدوین بودجه اعلام می‌شود، قرار است درآمدهای مالیاتی از درآمدهای نفتی پیشی بگیرد. اقدامات و تدابیر بسیاری نیز در این حوزه انجام گرفته و موفقیت‌هایی نیز حاصل شده است. با اینهمه دولت در راستای کنترل قاچاق باید اصلاحاتی در تعرفه‌های واردات ایجاد کند. وقتی تعرفه‌های بالا برای واردات کالاهای مصرفی وضع شود، بدون شک قاچاق رونق خواهد گرفت. نباید فراموش کنیم که مرزهای باز هم در اطراف کشورمان به‌وفور وجود دارند. پس چنانچه تسهیلاتی در ورود کالا ایجاد شود، قاچاق دیگر مفرجه به‌صرفه نخواهد بود. تردیدی نیست که هر گاه جلوی برندها و کالاهای باکیفیت را می‌گیریم، راه را برای ورود اجناس بی‌نجل باز کرده‌ایم.

در این بین لغو تحریم‌ها می‌تواند گامی موثر برای مقابله با اقتصاد زیرزمینی و قاچاق کالاهای مصرفی باشد. اقتصاد زیرزمینی برای تولید و عرضه با محدودیت‌هایی مواجه است، اما یک واحد فعال و شفاف می‌تواند میزان تولید و عرضه خود را افزایش دهد، بنابراین اگر موفق به خروج از رکود شویم، اقتصاد زیرزمینی هم راه‌های کمتری برای فعالیت خواهد داشت. در این شرایط اگر بسته‌های اقتصادی دولت به‌درستی اجرا شود، می‌توان به حداقلی اقتصاد زیرزمینی با بدنه اقتصاد ایران امیدوار بود. در این صورت راه برای فعالیت فعالان بخش خصوصی به‌صورت شفاف نیز باز خواهد شد.